

درباب سپهدار

به عرض رفته بود وزیر شعبات تجارت روس برای رسیدگی به استرآباد آمده است. سراج لشکر گماشته سپهدار که چندی در استرآباد بود موقع جنگ بین الملل در هر نقطه و مجلس که وارد می شد از شکست و انهدام قشون روس عنوان می کرده، فتوحات آلمان را انتشار می داده حرفهای او را تماماً به قونسول راپرت می دادند، به روسها بر می خورد. راین موقع مسیو کمینسکی به استرآباد آمده دلتنگی قونسول را برای این گونه حرفها به سپهدار تلگراف می نماید، بودن سراج لشکر در استرآباد لزومی ندارد فوراً او را احضار می نمایند. مسیو کمینسکی برای سرکشی به گنبد رفته، پانزدهم ماه اکتبر مراجعت به روسیه نمودند.

درباب ورود قزاق

پانزدهم ماه مذکور سیصد نفر قزاق روس از خاک سیریا بالناس سالدادی و «شبگاه» ۲۲۷ به استرآباد آمدند. روز شانزدهم هم صد قزاق به سمت گنبد قابوس رفتند. زمان ورود بنقرب پانزده عرابه قورخانه همراه داشتند. تاچه اقتضا کند.

درباب مریضخانه

به عرض رفته بود، مریضخانه صلیب احمر در باغ عباس خان تعمیرات و بنایی زیادی از طرف قونسول نموده اند. هفته قبل حکمای مزبور را برای مجروحین اردوی دولتی احضار نموده اند. یک ورقه تشکرنامه به توسط قونسول برای خدمات هشت ماهه مسیو کیوتسکی در استرآباد رئیس مریضخانه و حکمای مزبوره میرزا علی اکبرخان نوشته، دو سه نفر از مجتهدین با سایر صاحب منصبان و سرکرده های استرآباد تماماً امضاء کرده تقدیم رئیس مریضخانه صلیب احمر نمودند و این چندروزه انتظار ورود پراخوت را دارند.

درباب اسب دوانی

چندی است قونسول ونایب میل و افری برای اسب دوانی دارند. به همین ملاحظه در طوایف یموت قیمت اسب رسیده است به چهار صد تومان. میدان اسب دوانی زیر ناور محمدآباد دوفرسخی شمالی شهر منعقد است. صاحب منصبان روس و چند نفر به اتفاق دریاییگی و سرکرده های استرآباد روز هیجدهم اکتبر دعوت گردیده مخارج نهار به عهده سردار افخم حاکم استرآباد بود، هفده اسب بیرق گذارده سه اسب از قونسول و سه اسب از نایب، یک رأس متعلق به حکومت، ده اسب دیگر از طرف خوانین. سه نمره اسب دوانی دارند. نمره اول دو ورس، پنج اسب نفری یکصد و پنجاه منات. اسب قونسول موسوم به... ۲۲۸ جلو آمده هفتصد و پنجاه منات بیرق برداشت. نمره دوم یک ورس و نیم، چهار اسب نفری

۳۳۷ — (شاپکا) به معنی کلاه فرنگی (شاپو).

۳۳۸ — بعلت بریدگی کلمه در عکس خوانده نمی شود.

صدو پنجاه منات. اسب... قونسول جلو آمده ششصد منات بیرق برداشت. نمره سوم هشت اسب دریک ورس، نفری صدمنات اسب... ایتیاعی نایب جلو آمده هشتصد منات بیرق برداشت. بعد از صرف جای مقارن غروب مراجعت به شهر نمودند.

نمره ۳۰۵

۲ نوامبر رفت - ۱۹۱۴

درباب حکمای روس

بیست و دویم ماه اکتبر حکمای صلیب احمر زن و مرد تماماً حرکت بدست روسیه نمودند.

درباب بارفروش

بعد از قتل عبدالسلام پسرش برای اگنطی به استرایاد آمده بود. تخمیناً پانصد نفر اهالی مازندران به اتفاق حکومت و غیره به وزارت خارجه و داخله تشکی نموده، هرآینه او را به جای پدرش منعموب نمایند سدهمقابل برتعدیات عبدالسلام نسبت به اهالی مازندران افزوده خواهد شد. وزارت خارجه اگنط شدن پسر عبدالسلام را تصویب نکرده عجالاً ریاست اگنطی [را] به رئیس بانک استقراضی واگذار نموده اند و اهالی خیلی مشعوف هستند که حرکات ستمکارانه پسر عبدالسلام ۳۳۹ از مازندران قطع گردیده، مانند ماهی را که از خاک ذلت نجات داده به آب دریا بیندازند هزاران مردم از قتل اگنط راحت و خوشحال شده اند.

درباب قشون

بیست و پنجم ماه اکتبر خبر رسید چندی قبل صدنفر قزاق روس که بارفروش آمده بودند مراجعت به روسیه نموده نود نفر عوض آنها وارد شهر سر گردیده از طرف روسها اظهار شده است دو بیست و ده نفر دیگر برای مشهدسر و بارفروش خواهند آمد. لکن ورود قزاق مزبور در بارفروش حرکات وحشیانه درکوچه و بازار نموده که باعث انزجار و توهم اهالی را فراهم کرده است.

درباب روسها

بیست و هفتم ماه اکتبر ترکمان جعفربائی اظهار می کرد که از طرف کمیسر روس مأموری در خاک یموت گردش می کند، اشخاصی که از سابق وجدیدی خود را به تبعیت روس شناخته فامیل آنها را ثبت می نماید، حتی دارائی و اسب و شتر و آنچه داشته باشد

صورت می گیرند.

درباب سرقت

ایضاً خبر رسید ربارفروش اطاق تاجر روسی راشکافته هزار تومان وجه نقد به سرقت بردند.

درباب سرقت

ایضاً تبعه عثمانی ساکن بارفروش که مشغول تجارت بود مغازه او را شکافته اموال زیادی به سرقت می برند.

درباب اعانه

از تاریخ بیست و نهم ماه مذکور قونسول به تجار استرآباد اعلان کرده که امپراطور کل روسیه از دوستان و همجوران خود وجه اعانه برای قشون خواسته هر يك معادل پنجاه منات وجه اعانه بدهند. چند نفر از تجار وجه مزبور را داده مشغول تهیه لباس برای قشون می باشند.

درباب تغییر قونسول^{۳۳۰}

مدتی است ایوانف قونسول روس معزول است. تأخیر ورود قونسول جدید برای جنگ است. نایب قونسلخانه مشغول امورات دفتر و غیره بوده اجزاء قونسلخانه و اهالی داخلی و یموت کمال رضایت را از او داشتند. بسیار جوان کار آزموده و مهربان و نجیب است. بین مشارالیه و قونسول تزاغی شده بود. تزاغ برای جلورفتن اسب نایب بود. مشارالیه جداً استعفا از خدمت قونسلخانه می دهد. تاچه اقتضا کند.

نمره ۳۱

۱۳ نوامبر رفت - ۱۹۱۴

درباب روسها

چهارم ماه نوامبر بعضی اسباب و ائقال و قورخانه که در ارگ دولتی داشتند حمل به روسیه نموده عجالاً یکصد نفر قزاق که عاری از مشق نظام هستند، توقف دارند.

درباب سرقت

یک نفر لژی تبعه روس از گلوگاه عازم مازندران بوده شب دو نفر گلوگاهی هزارو

۳۴۵ - در دنباله آن نام قنسول بصورت یاتایف آمده ولی در متن ایوانف است بمانند پیش ازین.

هفتصد تومان پول لزگی را سرقت کرده، مشارالیه به شهر آمده به قونسول عارض شد. چند نفر قزاق به گلوگاه رفته دونفر سارقین را دستگیر کرده شهر آورده حبس نمودند. تاجه شود.

در باب روسها

هفتم ماه نوامبر خبر رسید... ۲۳۱ بیست [و] پنج گاری زن و بچه رعیت روس از راه قراسو با گاری به سمت شیرنگ شش فرسخی استرآباد که محل سکونت روسها می باشد رفتند.

در باب نزاع

بدسری و حرکات وحشیانه اجزاء قونسولخانه که اهالی ایران هستند بعد از مراجعت محمدعلی میرزا به روسیه، اجزاء مذکور با کمال شرارت به اهالی استرآباد رفتار و سوء احترام خاق را می نمایند. عبدالله نام غلام که اراندل و اوباش شهر است چندی است مستخدم قونسولخانه گردیده روز هشتم ماه مذکور اسکناس در بازار برده خورد نماید. برادر آقا رمضانعلی و کیلالتجار دو سال قبل پول کفش از عبدالله غلام طلب داشت مطالبه می نماید. با کمال بی شرمی بدحرفی و فحش عرضی ۲۳۲ نسبت به تمام اهالی بازار می دهد. چند نفر تعصب ورزیده او را چوب می زنند. خدمت قونسول رفته عارض شد. امر نموده نایب با پنجاه نفر قزاق و یک نفر غلام در بازار می روند، دونفر از گماشته و کیلالتجار را به قونسولگری برده چوب زیادی به آنها زده و کیلالتجار دو ساعت از شب رفته قونسول را ملاقات کرده تفصیل کار را به قونسول اظهار داشته کسان او را مرخص نمودند. قرار شد در کارگذاری استنطاق کرده هر آینه تقصیری به عهده عبدالله نام غلام شد مجازات شود، و این نمونه احترام نسبت به تجار بعد از یادداشت بی طرفی دولت ایران برای جنگ بین دول اروپا به توسط پست وزارت خارجه فرستاده کارگذاری به قونسولخانه داده بودند.

در باب کلانتری اتران

آقا بزرگ خان و کسانش که به کلانتری قرای اتران از طرف حکومت رفته بودند به سبب تعدیات ایشان اهالی اتران کراراً از کلانتر مزبور تلگرافاً و کتباً عارض شده، ایالت مشارالیه را احضار می نماید. آقا بزرگ خان واهمه کرده عزیمت به طهران نمودند. کلانتر اتران را سردار افخم به هاشم خان ترانی وا گذر نموده موقتی است.

در باب قرض قونسول روس

در این مدت که قریه باغ گلبن را خریداری نموده به قرب ده هزار تومان مخارج بنائی و نجاری و مخارج بیهوده نموده حالیه پشیمان است. هفت هزار تومان از حاجی محمد رضا تاجر قرض کرده، دو هزار تومان از میرزا جعفر خان منشی و شش هزار تومان از تاجر گموش تپه قرض کرده است، و دوسه هزار تومان هم متفرقه مقروض است. به خیال

۳۴۱- کلمه ای شبیه «مزاق»، شاید: میزان.

۳۴۲- اصل: ارزی.

آنکه قریه باغ گلبن را به قیمت گرافی بفروشد، تجار استرآبادی که نمی‌خرند هیچده هزار تومان مقروض است. باغ گلبن را پنجاه هزار منات قیمت می‌کند. تاجه اقتضا کند.

نمره ۳۳۵

۳۵ نوامبر رفت - ۱۹۱۴

درباب فندرسک

مهدی‌خان میرپنجه برای ضبط ۲۲۲ محصول آبی ملازم خود را به قریه نوده میرزا اسمعیل‌خان فرستاده، پنج فرسخ مسافت با گنبد قابوس است. اهالی قریه به تحریک علی‌اکبرخان امیرعشایر پسر سعدالله‌خان ایلخانی ملازم میرپنجه را چوب زده بیرون نمودند که مشارالیه یک‌عده سواری برداشته یورش به قریه مزبوره برده، چند خانه را آتش می‌زند. پانزدهم ماه نوامبر رضاقلی‌خان پسر سردار افخم از گنبد قابوس برای اسکات رعایا رفته میرپنجه فندرسکی را همراه خود به شهر آورده رفع نزاع نمودند.

درباب قتل

اهالی فندرسک بر ضد کموسر دونفر تراکمه قجق را تیر زده یک نفر مقتول، [یک نفر] دیگر مجروح شده، کمیسر تلگرافاً به سفارت خود از مهدی شاه شکایت می‌کند. وزیر مختار روس به قونسول تلگراف نموده رسیدگی نماید. مشارالیه به توسط کارگذاری در قونسلخانه جواب داده من املاک خود را متصرفم، کموسر می‌خواهد مجبوراً آب و خاک من را ضبط ۲۲۲ نماید. از جمله محالات است که بگذارم کمیسر در فندرسک تصرفات نماید. هرآینه از طرف من نسبت به کمیسر تعدی شده استنطاق نمایند حق با کیست؟

درباب نزاع

چندی است قونسول روس دولت وردی‌خان خوجه‌نفسی را اگنط نموده نصف تراکمه جعفربائی اطاعت به مشارالیه ندارند. من جمله چند نفر از طایفه قرنچیک زیرحد گموش‌تپه ساکنند ضدیت با اگنط می‌نمایند. قونسول قنبر ۲۲۵ غلام را فرستاده یک نفر ترکمان محرك را به شهر آورده مجازات شود. طایفه قرنچیک سنگربندی نموده چند تیر تفنگ برای قنبر غلام و دولت وردی‌خان خالی می‌نمایند. ایشان فراراً به خوجه‌نفس آمده مقدمه را به قونسول پیغام دادند. هیچدهم ماه نوامبر صدنفر قزاق روس که در استرآباد بوده به امر قونسول به جعفربای رفته تراکمه یاغی را بچاپند. قراقها به گموش‌تپه

۳۴۳- اصل: ظبت.

۳۴۴- اصل: ظبت.

۳۴۵- اصل: قمبر (همه‌جا).

رفته به كمك دولت وردی خان ۲۲۶ بایك عده سوار تركمان نوزده باب آلاچیق تركمان قرنجیک را چپاول نموده ده نفر از تراكمه را مغلولا به شهر آورده حبس نمودند. تا چه اقتضا کند.

درباب سرقت

بیست و یکم ماه مذکور خبر رسید دزد طایفه ایلغی به قریه شیرنگ سه فرسخی مشرقی که متعلق به حاج محمدتقی تاجر است رفته پنجاه گوسفند، دورأس مال به سرقت می برند. حاج مزبور به قونسول عارض شده اعتنائی برای استرداد مال مسروقه نکردند.

درباب رفتن نایب قونسول

به عرض رفته بود مشارالیه از خدمت استرآباد استعفا داده تلگرافاً نایب را به مأموریت خراسان تصویب کرده، دو اسب ممتاز که هر یک را سیصد تومان خریده بود به خراسان فرستاده، موقتاً برای امورات شخصی به مسکو رفته، از آنجا به خراسان خواهند رفت.

درباب سرقت

شب بیست و چهارم ماه نوامبر دزد طایفه اتابائی دو رأس گاو از قریه جعفرآباد نیم فرسخی شمالی به سرقت بردند.

درباب نزاع

بیست و هفتم ماه مذکور يك نفر اجزاء قونسلخانه در محله نعلبندان برای خریدن زغال بایك بچه تراع نموده چوب زیادی به طفل می زند. اهالی محله جمع شده او را خدمت قونسول برده امر به حبس نمودند.

درباب قند و چای

قیمت قند تا قبل از محرم پوطی پنج تومان بود. به سبب ورود چهل هزار پوط قند در بندر جز قیمت قند سه تومان و نیم شده لکن قیمت چای به سبب حمل تجاری بلد (؟) چای کیسه ای پوطی چهل تومان - صندوقی پوطی چهل و پنج تومان.

درباب تجارت قونسول روس

سال قبل برای زرع در باغ گلین پنجاه جفت گاو به عنوان تعارف و خریداری تحصیل کرده بودند... ۲۲۷ ایشان منصرف شده گاوهارا فروخته، در عوض پنجاه رأس یابو از روسیه آورده، در باغ گلین کاربردند. به سبب لاغری تماماً معیوب و کسی نمی خورد.

نمره ۳۳

مخابرات استرآباد - ۱۹۱۴

درباب سرقت

غره ماه دسمبر خبر رسید سه رأس مال از قریه نصرآباد يك فرسخی مشرقی به سرقت بردند.

درباب حکم تلگرافی

سیم ماه مذکور حسب الامر اعلیحضرت احمدشاه تلگرافی به سردار افخم حکمران استرآباد از طرف وزیر داخله رسیده است. به موجب ثبت دستور العمل کتابچه که در سابق افواج و سواره استرآبادی مستخدم دولت بودند تمام آنها را صورت گرفته سوار و سرباز راهر دسته از خود جدیداً جمع نموده صورت آن را به کابینه وزرا بفرستند. به سبب تصرفات سپهدار برای خالصهجات در اوایل انعقاد مشروطه، و اغتشاش سرحدی استرآباد و قتل مرحوم میرزا سعدالله خان ایلخانی و علی محمدخان مفاخرالملک افواج و سواره استرآبادی به علت نداشتن حقوق متفرق و معدوم گردیده، سرکرده های استرآباد در جواب ایالت عرضه داشتند هرآینه دولت امر به دایر کردن سواره و افواج استرآباد می نماید اولاً لازم است تمام قرای استرآباد را از سپهدار گرفته در ازاء حقوق قشون و مواجب سرکرده ها واگذار نمایند. کما فی السابق عموماً خدمتگزار خواهند بود. هرآینه قرای استرآباد در تصرف سپهدار باشد جمع آوری سواره و پیاده در استرآباد غیر ممکن است.

درباب سرقت

ایضاً دزد طایفه اتابائی يك رأس مال از قریه ولیک آباد، يك فرسخی مشرقی، به سرقت بردند.

درباب انعقاد مجلس

یوم شنبه پنجم ماه دسمبر به موجب تلگراف اعلیحضرت احمدشاه عموم حکام ولایات برای انعقاد مجلس مقدس شورای ملی جشن و پذیرائی ۳۲۸ نمایند. ایالت استرآباد در صورتیکه مریض بوده صاحب منصبان و علمایان و تجار راسه ساعت به غروب دعوت نموده تلگراف مزبور را برای حضار قرائت نموده صرف شربت و چای نموده، در جواب تلگراف حکومت دو تلگراف تبریک یکی به حضور اعلیحضرت احمدشاه و یکی به وکلای محترم مجلس دارالشورای ملی [کرده] از طرف عموم اهالی استرآباد تبریک و خلوص نیت صمیمانه خود را اظهار داشتند، و سایر سرکرده ها و تجار و مجتهدین هر یک به مجلس دارالشورا تبریک عرضه داشتند. لکن از طرف قونسول روس برای تبریک کسی در مجلس

مزبوره حاضر نشده، اعتنائی نکردند.

درباب سرقت

شب ششم ماه مذکور هاشم خان و علی امفرخان قاجار بستگان نایب‌الحکومه سالار اشرف سه رأس مال از قریه شاهده، دوفرسخی مغربی سرقت نموده در طایفه اتابائی به ترکمانها می‌فروشدند. صاحبان مال تفحص کرده عارض می‌شوند. بعد از تحقیقات امرشد هاشم خان ۳۳۹ قاجار را حبس [کرده] به فاصله يك شب به سبب ایل جلیله مرخص نمودند.

درباب روسها

شب هشتم ماه دسمبر صدنفر قزاق روس حرکت نموده از راه قراسو بادکوبه و به سرحد قفقاز می‌روند. شب هفتم ماه مذکور دو بیست نفر قزاق جدید به استرآباد وارد شده صد نفر آنها به گنبد قابوس رفتند و یکصد نفر که در ارگ دولتی منزل نمودند از قرار معلوم دشمنی به دولت ایران دارند، یا به گفته قونسول استرآباد است (؟) سابقاً قشون روس در عمارت دیوانی خرابی می‌کرد، لکن به این لجاجت نبود. عمارت آقا محمدخان قاجار که تمام حاشیه آن سنگ مرمر، يك ذرع طول، سه چارك عرض داشته با کلنگ همه را شکسته حمل به روسیه می‌نمایند. درهای «آغشته» که به امر دولت ایران چندی قبل تعمیر کرده و اطاقهای جنب ایوان راتخته «نراد» فرش کرده تماماً راسوزانیده، شیشه‌ها را شکسته [اند]. مقصود عمده انهدام تأسیسات دولتی است.

نمره ۱۵

مخابرات استرآباد - ۱۹۱۵

درباب نطق قونسول

اخبار تلگرافی که از هندوستان به دربار سفارت کبرای انگلیس رسیده، پنجاه طغرا نسخه چاپی را برای انتشار به استرآباد فرستادند. در کارگذاری استرآباد قونسول ملاحظه می‌نماید، قدری دلتنگ شده بود که دولت فحیمه انگلیس نباید این گونه اظهارات عاجزانه رانست به دولت عثمانی نماید. در جنگ باید به طور سختی طرف را جواب داد. چنانکه ۲۵۰ دولت روس با دشمنان خود بامشت حرف می‌زند. این گونه تلگرافات باعث توهین دول مثلث خواهد بود.

درباب پستخانه

میرزا غلامحسین خان رئیس پست معزول شده مؤیدالوزاره رئیس پست مازندران عوض ایشان به مأموریت استرآباد آمدند.

درباب قتل اگنط

آقا سید حسن نیاکی که از جمله اعیان و ملاکین مازندران می باشد متهم به قتل عبدالسلام اگنط است. قونسول روس به عنوان استنطاق مشارالیه را احضار به استرآباد [کرده] وارد به منزل امیراکرم شده اند.

درباب مهدی خان میرپنج فندرسکی

به عرض رفته بود کموسر روس شاکی شده است، از طهران امر نموده اند بین کموسر و مهدی خان فندرسکی در کارگذاری استنطاق نمایند. جعفرقلی خان مترجم از گنبد قابوس به استرآباد آمده سیزدهم ماه دسمبر در حضور قونسول در کارگذاری استنطاق نمودند. معلوم شد کموسر متعدی می باشد و مهدی خان فندرسکی مطالبه آب و خاک موروثی خود را دارد که زیاد از این تصرفات در خاک فندرسک نمایند.

درباب سرقت

شب پانزدهم ماه دسمبر دزد طایفه جعفربائی دو رأس مال از قریه قلندر محله یک فرسخی مغربی به سرقت برده، صاحبان مال به قونسول عارض شده. جواب داد امورات شما متعلق به حکومت استرآباد است. از قرار معلوم به کارهای داخله دخالت ندارند.

درباب عید تسمیه امپراطور دولت روس

روز نوزدهم ماه برای عید تسمیه اعلیحضرت نیکلا امپراطور کل روسیه، قونسول روس دو ساعت به ظهر مانده سر کرده ها و صاحب منصبان با سه نفر از علمای بلد و تجارها را خبر نموده به قونسلخانه رفته تبریک گفتند. در مدت یک ساعت قونسول تکلم می کرد. از جنگ و قوه قهریه دولت روس و اظهار شکرانه هم از همراهی دولت عظیمه انگلیس می داشت.

درباب حکومت

سردار افخم حاکم استرآباد چهل روز است به مرض سخت مبتلا [ست]. از شدت ضعف و اثرات پیری ابدأ نمی تواند به امورات رسیدگی نماید. جزئی امنیت هم در شهر و طوایف یموت از ترس قونسول استرآباد است.

درباب جز

یکی از موثقین و کالت مکتوبی از طرف حاج شیخ حسین وکیل استرآباد ارائه

داشته، به همین زودی تغییری برای مأموریت داخله و خارجه در خط شمال خواهد شد. تا چه اقتضا کند.

درباب روسها

بهموجب خبری که در طوایف ترکمان منتشر است دولت روس هزار نفر سوار ترکمان چکت را به خواهش برای جنگ برده‌اند، تمام آنها مقتول و مجروح شده. پیرمردان تکه به روسها اظهار داشته‌اند که سوارهای ما را برگردانید. لکن از اظهارات آنها به نظر می‌رسد خیال انقلابی در ترکستان روس برای کار بیاورند ۲۵۱. تاچه شود.

نمره ۲

درباب نزاع

در محله سرپیر جعفر نام قاجار با هاشم بسطامی نزاعی می‌نمایند. شب بیست و ششم ماه دسمبر جعفر آقا با رفیق خود نعمت نام در خانه هاشم بسخو نموده ساعت هفت از شب او را تفنگ می‌زنند. گلوله به ران هاشم وارد شده به زمین خورد. بعد از دو روز مکشوف شد که بی‌علت نبوده، جعفر آقا در قریه شاهه دوفرسخی مغربی اقامت داشت. مبلغ چهارصد تومان وجه نقد از سید آقا جان مباشر قریه سرقت کرده در شهر به دست هاشم مجروح می‌دهد [که] زمان لزوم دریافت نماید. مشارالیه از گرفتن وجه منکر شده بود. از این موضوع سید آقا جان مخبر شده در شهر عارض می‌شود. جعفر آقا را دستگیر [و] بانعمت نام حبس نمودند. تاچه اقتضا کند.

درباب نزاع رامیان

به تحریک محمود آقا سرهنگ قزاق و میل کموسر دونفر اهالی رامیان را قزاقها گرفتند. از آنجائی که دو سال است بین کمیسر و رامیانی ضدیت می‌باشد و تاکنون رفت آمد نداشتند، نزاعی برای چند نفر سارق ترکمان رخ داده اهالی رامیان از تراکمه قجق که سارق بود همراهی می‌نمایند. مطالب را کمیسر با محمود آقا سرهنگ به قونسول می‌نویسد. شرحی از مهدی خان میر پنجه شکایت داشته‌اند. برای رسیدگی قنبر ۲۵۲ غلام قونسولگری بایک نفر قزاق حکومتی به رامیان رفته [که] مطالب را تحقیق [کرده] و التیامی بدهند. لکن مجدداً کموسر با محمود آقا اشتباه کاری به قونسول نموده‌اند. معظم‌الیه تعرضانه اظهار داشت برای مجازات اهالی رامیان دوهزار قزاق می‌خواهم که سیاست سخت بشوند.

درباب سرقت

بیست و هشتم ماه مذکور دزد طایفه اتابائی يك رأس مادیان از قریه کریم آباد نیم فرسخی شمالی به سرقت بردند.

درباب ضعف حاکم استرآباد

به عرض رفته بود مدتی است سردار افخم در بستر خوابیده و حالی ندارد. چون کربلائی نصر (?) خان قاجار استرآبادی نایب الحکومه است سر کرده ها به مشارالیه اعتنائی ندارند، حیدرقلی خان مسعود السلطان به حمایت اعتصام الممالک کارگذار و امیراکرم در این چندروزه تمام مأمورین حکومت را ازدهات سدن رستاق امر نموده با توسری زیاد بیرون نمایند. در صورتیکه حیدرقلی خان در این بلوک تعدی و اسباب اذیت خلق را فراهم کرده تماماً شاکی هستند. در صورتیکه اواز حکومت در بلوک سدن رستاق نفوذی ندارد حسب الامر چند نفر قزاق به کردمحله رفته اند، حیدرقلی خان کلانتر را تحت الحفظ به شهر بیاورند. تاچه اقتضا کند.

درباب قشون روس

يك عده سالداد روسی که سواره هستند در استرآباد و سایر نقاط گردش می نمایند و خیلی به آرامی راه می روند، به کسی هم اذیت ندارند. پانزده نفر از آنها غره ماه جنواری به سمت قراسو رفته اند. لیانازوفی [که] همه ساله اوایل پائیز برای صید ماهی می آمدند به سبب دوام جنگ اروپ تاکنون نیامده اند.

درباب کارگذار

سیم ماه مذکور اعتصام الممالک برای دوسه فقره امورات آرامنه و اخذ دوهزار تومان حقوق دوساله خود بندر جز رفته اند. چون بین سردار افخم با کارگذار و محمد باقرخان امیراکرم دلتنگی می باشد مدتی است درصدد ۲۵۲ خرابی امورات حکومت استرآباد می باشند، در بندر جز جمعی هستند که برضد حکومت رفتار می نمایند.

مخابرات استرآباد

۱۹۱۵

۱۴ صفر ۱۳۳۳ - ۲۳ صفر ۱۳۳۴

نمره ۳

۱۷ ماه جنواری - ۱۹۱۵

درباب مفتش

از طرف وزیر داخله يك نفر مفتش معدن شناس به استرآباد آمده دوسه روز درخانه هژبرالسلطان ۲۵۴ توقف داشته برای بازدید معادن گلوگاه و ساری حرکت نموده رفتند.

درباب سارقین

سالار اشرف نایب الحکومه بعد از يك سال که دزدان گاوهای مردم را تمام نموده اند دوازده نفر سارقین ولایتی را دستگیر نموده هریک را در بازار فرستاده چوب مفصلی می زنند. گوش دونفر دزد تریاکی را در بازار میخ کرد و توسط دونفر قزاق تبعید به شاهرود می نمایند.

درباب غرض

روسها يك غرض و لجاجتی برای خرابی ایران می نمایند که خارج از تمدن و انصاف است. نهم ماه جنواری خبر رسید کمیسر روس با چند نفر قزاق سوار شده به گوکلان می روند. رؤسای ایلات را تحریک به رفتن راه خراسان و میان دشت و مزینان و عباس آباد می نمایند. محمود آقا سرهنگ هم برای خوشنودی روسها تراکمه قجق و قان یخمز را محرک است به چپاول رفته اموال غارت شده را بیاورند مناصفه نمایند.

درباب عزاداری

پنج سال است به واسطه خرابی دهات سرحدی و اغتشاش مشروطه و استبداد و شرارت مردم بایکدیگر علمایان و تجار و اهالی مدارس روضه خوانی مختصری در ماه محرم نمودند. لاکن در این دو ماهه تلافی مافات گردیده. در اول ماه محرم تمام تکایا را زینت و تعزیه داری کرده، ده شب اطعام به مساکین نموده بعد در خانه هائی که موقوفه

داشته روضه خوانی تا اواخر ماه صفر [شده] در تمام تکایا شبها يك دسته سنگ زن * بعد از ختم آن واعظین روی منابر رفته موعظه و عزاداری مفصلی نمودند.

درباب سرقه و شهرت بی‌ماخذ

چندی است شهرت داده شده است که محمدعلی میرزا مجدداً به ایران خواهد آمد. ترکمانها به این لحاظ بنای دزدی را گذارده همه شب از دهات استرآباد مال و گاو به سرقه می‌برند.

درباب قشون روس

يك عده سالداد عوض یکصد نفر قزاق که در استرآباد توقف داشتند شب چهاردهم ماه جنواری هفتاد نفر آنها از جنگ قفقاز مراجعت [کرده]، بعضی مجروح و برخی خوب شده، بایک عرابه توپ در شش (?) و سه عرابه اسباب لوازمات وارد به استرآباد [شده] در ارگ دولتی منزل کردند. لکن روسها بدقرب يك ماه است افسرده حال [اندو] دماغی ندارند. گاهی اظهاری از جنگ پروس شرق با قفقاز می‌شود. از روی اکراه جواب می‌دهند فتوحات باقشون روس است. تاچه اقتضا کند.

درباب اعتدال هوای استرآباد

حالیه يك ماه است از چله زمستان می‌گذرد. اوایل چله دو روز جزئی کولاک نموده بعد هوا مساعد شد. این روزها اعتدال هوا مطابق است با چهاردهم عید. علف در صحرای یموت زیاد [ست]. گوسفندان تعلیف * * می‌نمایند. شیر و روغن فراوان [ست و] برنج به سبب قدغن به روسیه تنزل نموده ارزان است. پنبه امساله باعث خسارت و پیریشانی زارعین گردیده باری پنج تومان الی شش تومان زیاده نمی‌خرند. به ملاحظه طول جنگ تجار بندر جز دست از خریدن پنبه کشیده، پول بسیار کم است. تجار استرآبادی و غیره از کسادى بازار نالان می‌باشند. خداوند ترحمی به عموم نوع فرماید که این بلیات و ممالک اروپا رفع شده و جلوگیری از قتل نفوس محترم بشود.

نمره ۴۵

۲۸ جنواری رفت - ۱۹۱۵

درباب خبر معترضه

چندی است در استرآباد شهرت دارد آذربایجان در تصرف عثمانیها می‌باشد. روسها

* - ظاهراً مقمودش «سنجوزن» است. * - اصل: تألیف.

بکلی از تبریز وارد بیل و خوی و سلماس و غیره تخلیه کرده به سرحد آستارا ۲۵۵ وارد شده، قشون عثمانی رامی گویند که وارد رشت خواهد شد. لکن اهالی استراباد انجمن محرمانه برای اغتشاش و برضدروسها دارند. بعضی ارامنه ساکن استراباد متوحش می‌باشند. قونسول روس هم مشغول جلوگیری از تراکمه گردیده به هر طایفه از یموت و سران تراکمه پیغام داده است امنیت استراباد با من است. هرکسی شرارت و هرزگی نماید سه ماه حبس و جریمه خواهد شد.

درباب روسها

به سبب مذاکرات و انجمن سری که در استراباد دارند قونسول و اتباع روس مترنزل گردیده شهرت داده‌اند برای بعضی ملاحظات محل اقامت اردو در آوققلعه سه فرسخی شمالی معین گردیده، چهار هزار قشون روس در محل مزبور وارد خواهند شد.

درباب روسها

دویست نفر قشون روسی با چهار عراده توپ مسلسل در ارگ دولتی توقف دارند. یکصد و بیست نفر قزاق است، هشتاد نفر سالداد. لکن خیلی ساکت و صامت می‌باشند. ابداً در شهر و خارج به کسی ادبیت نداشته، برای مشق هم بیرون شهر نمی‌روند. به سبب اغتشاش بین رعایای فندرسکی و کمیسر روس قونسول پنجاه نفر قزاق بادو عراده توپ به گنبد قابوس فرستاده‌اند. تا چه اقتضا کند.

درباب تراکمه جعفر بائی

به عرض رفته بود در نمره ۳۱ طایفه قرنجیک، چاروای جعفر بائی با دولت وردی خان اگنط ضدیت کرده، قونسول امر نمود قزاقهای روس خانه‌های تراکمه رامی چایند. ده نفر از رؤسای طایفه مذکور به طهران رفته از تعدیات و بی‌قانونی قونسول شاکی بودند. بیست و پنجم جنواری سه نفر از تراکمه عارض از طهران مراجعت به استراباد قنبر ۲۵۶ نام بقال وارد شده گماشتگان قونسول فوراً راپرت می‌دهند. به امر قونسول پسر میرزا جعفر خان منشی باده نفر قزاق به خانه قنبر نام ریخته دو نفر از تراکمه قرنجیک که عارض بودند دستگیر به قونسولگری می‌برند. قونسول دو نفر ایشان را استنطاق کرده با کمال سختی جواب می‌دهند که ماها تبعه ایران محکوم به حکم ایالت استراباد می‌باشیم. قونسول در جواب آنها می‌گوید که من شماها را حبس می‌کنم، دولت ایران و حکومت استراباد شما را نجات بدهند. تاجه شود.

نمره ۵

۴ ماه فرواری رفت - ۱۹۱۵

درباب کارگذار

میرزا حسین خان معزز السلطان از طرف وزارت خارجه به عنوان کارگذار استرآباد شب ۲۹ ماه جنواری در مرکز دولتی وارد گردیده. اعتماد الممالک کارگذار سابق به تمام ادارات دولتی ورود معزی الیه را اطلاع به رسمیت داده. لکن قونسول روس می گوید بی اطلاع من و سفارت مشارالیه آمده، لهذا پذیرفته نخواهد شد. تاکنون از ایشان دیدن نکرده و دلتنگ است. تاجه اقتضا کند.

درباب چاول

تراکمه قرقچی يك بلوک گوسفندکتول را می چابند. ترکمانهای داز که ساخلوی دهات کتول هستند جلوگیری از تراکمه مذکور نموده بین ترکمانها نزاعی می شود. باچوب دونفر از سوار یاغی قرقچی را مجروح نموده گوسفند را پس می گیرند. سوارهای قرقچی گنبد قابوس رفته به کمیسر روس عارض می شوند. کمیسر تراکمه داز را پیغام داده است شما گوسفندهارا بدهید سوار قرقچی ببرند. تراکمه داز بین دوراه سرگردان مانده يك طرف قونسول قدغن کرده هر کس دزدی نماید سه ماه حبس و جریمه خواهد شد، يك طرف کمیسر تراکمه را محرک است بروید قراء استرآباد را قتل و غارت نمائید. حکایت کوسه و ریش پهن است. اهالی استرآباد نمی دانند در امنیت روسها می باشند یا در سعایت و خرابی کوشش دارند. عموم استرآبادی و یموت از حرکات و رویه روسها منزجرند و چاره ندارند. هر آینه حکومت مقتدری برای پرستاری استرآباد به هم برسد و از تعدیات روسها آسوده بشوند خیلی خوشوقت و متشکر خواهند شد. تاجه اقتضا کند.

درباب سرقت

شب غره ماه فرواری در بازار کهنه دو درب دکان را شکافته به قرب یکصدوسی تومان اجناس به سرقت می برند. از قرار معلوم به تحریک آقامحمود بیکلری یکی جدید است.

درباب نزاع

دویم ماه مذکور ذبیح نامی پسر شیخ محمد که از جمله فقرای شهر است و آخوندزاده است بدون سبب و جهت نعمت الله پسر استاد تقی زرگر نامی [را] باشلول می زند. گلوله گوشه ابرو را مجروح [کرده] و يك موضع دست چپ را تیر گرفته. ذبیح نام را با پدرش دستگیر به دیوانخانه برده چوب مفصلی [زده] و حبس می نمایند.

درباب سرقت

شب سیم ماه فرواری به قونسول خبردادند پست دولتی از قراسو می آمد مفقود شده. روز مذکور میرزا جعفرخان منشی را با سه نفر غلام و دوست نفر قشون روس با دو عراده توپ سه ساعت به غروب به جعفربائی فرستاده تحقیق [کنند] و سارقین پست رایبیاورند. تا به حال خبری نرسیده است.

نمره ۶

۱۵ فرواری رفت - ۱۹۱۵

درباب بهانه جونی

به عرض رسانیده بود برای پست دولتی دوست قزاق به اتفاق میرزا جعفرخان به جعفربائی رفته است. تفصیل از این قرار است: قزاق روس که حامل پست بوده است بین راه نزدیک بشی اوسقه تیر خطایی از بالای سر آن می گذرد، پست را انداخته فراراً به شهر آمده به قونسول خبر می دهد. منشی قونسولگری یک هفته با قزاقها در جعفربائی تفحص نموده اثری به ظهور نرسید. آخر الامر قونسول امر نموده دوازده نفر از سران جعفربائی را گرفته بالتکا به عشوراده فرستاده حبس نمودند. تا چه اقتضا کند.

درباب کارگذار جدید

معزز السلطان اداره کارگذاری را دایر [کرده]، با صاحب منصبان و سرکرده ها دیدن نموده قونسول روس رسماً پیغام داده است من نمی توانم شمارا به کارگذاری بپذیرم ۲۵۷. مشارالیه به این سبب خیلی افسرده حال است. مطلب را به وزارت خارجه تلگرافاً خبر داده. تا چه شود.

درباب کمیسیون حقوق

چندی قبل سردار افخم به وزارت داخله راپرت می دهد برای رسیدگی امورات اهالی استرآباد کمیسیونی ترتیب داده شده، مرکب از شش نفرند و ضمناً مدرسه دایر گردیده مشغول تعلیم اطفال هستند. از طرف دولت در جواب این مطلب دروغ شرحی تحسین و تمجید از کاردانی ایالت نوشته اند و صورت اجزاء کمیسیون و معلمین وعده اطفال مدرسه رامی خواهند. سردار افخم خواست خود را ازین کذب بزرگ مبرا نماید ساعدلشکر [را] به ریاست کمیسیون حقوق معین نموده همه روزه خواهش کرده است باینج نفر از تجار دیوانخانه آمده رسیدگی به امورات نمایند. لکن درباب مدرسه نتوانستند جوابی بدهند. شاید مقصود ایالت از طلابهای مدرسه بوده که آنها خودشان تحصیل می نمایند، مربوط

به مدرسه جدید نیست. در ضمن قونسول از کمیسیون مزبور ناراضی است و يك عده از علما بر ضد کمیسیون رفتار می نمایند و همه روزه انجمن دایری دارند. علمایان دو فرقه هستند: يك فرقه با سر کرده ها و تجار همدست هستند، يك فرقه بر ضد مشروطه [اند] و ضدیت با اعمال حکومت و همراهی به عقاید ایوانف قونسول روس دارند. تا چداقتضا کند.

درباب تیرزدن ترکمان را

روز دوازدهم ماه فرواری يك نفر از رعایای فندرسك زیر حد شهر خیال سرقت مالی داشت. در ضمن ترکمان اتابائی به شهر می آمده او را تفنگ زده پای ترکمان را مجروح [کرده] و سارق دست خالی فرار می نماید.

درباب قتل قزاق روس

سیزدهم ماه مذکور صد و پنجاه نفر قزاق مستخدم گنبد قابوس به شهر آمدند. روز چهاردهم فرواری برای مشق بیرون دروازه رفته [در] مراجعت يك نفر قزاق تاخت نموده توی شهر به زمین خورده اسب شکم او را لگد نموده فوت شد. نعش قزاق [را] حمل به قراسو نمودند.

درباب مکاری

چهار نفر شاهرودی از استرآباد می رفتند. روز مذکور چهار فرسخی مشرقی در گرمابدشت يك نفر مکاری شاهرودی کشمش حمل به شهر داشت او را به درخت بسته چهل و پنج تومان وجد نقد از او گرفته می برند. بعد از ساعتی ریسمان را باز کرده به شهر آمده عارض شد. چند سوار تعاقب آنها رفته سارقین را دستگیر [کرده] روز پانزدهم فرواری به شهر آورده حسب الامر ایالت او را مهار کرده در بازار گردانیدند.

نمره ۷۰

درباب پراخوت جنگی

شانزدهم ماه فرواری خبر رسید دو فرزند پراخوت جنگی که هر يك دارای دو عراده توپ با عده ای سالداد می باشند وارد گردیده، يك پراخوت جنگی هم که از سابق اقامت داشت حالیه سه فرزند می باشد. گاهی در قراسو اقامت داشته گاهی در عشوراده می روند.

درباب خبر بادکوبه

هیجدهم ماه مذکور خبر رسید صد و چهل هزار قشون روسی که در بادکوبه بودند به سمت پروس شرق گسیل داشتند. به موجب تلگرافی که این دو روزه برای ایوانف قونسول

رسیده است خیلی وحشت‌انگیز به نظر می‌آید که اضطراب فوق‌العاده برای قونسول روی داده دلتنگ است. از قرار مذکور اطراف ورشو را جنگ‌سختی رخ داده، روسها را در تزلزل انداخته. دریابییگی مأمور شده است آرامنه اتباع روس که در استرآباد هستند تماماً را روانه به جنگ نمایند. تاچه اقتضا کند.

درباب روسها

بیست و سیم ماه فرواری دو صاحب‌منصب بایست و چهار نفر سالداد از پراخوت به شهر آمده‌اند. گاهی در بازار و کوچه‌های شهر گردش می‌کنند.

درباب نزاع مالقانیها

بیست و هشتم ماه فرواری سه نفر مالقانی و عرابه کش تبعه روس مست بوده در بازار بدمستی [کرده] و سنگ به طرف بازارچیان انداخته. مردم از ترس دکان خود را دست گرفته ۲۵۸ فراراً به دیوانخانه رفته عارض شدند. ابدأ در این باب اقدامی برای مجازات مالقانیها نکردند.

درباب نزاع مازندران

حاجی میراحمد افغان ساکن قراتپه که در حمایت دولت روس است رعایای رستم کلاه دو فرسخی اشرف، خانه مشارالیه را آتش می‌زنند. حاج میراحمد به استرآباد آمده شاکی شده غره ماه مرچ قونسول میرزا جعفرخان را بایک نفر غلام و ده نفر قزاق به گلوگاه فرستاده بعد از تحقیقات لازمه رعایای رستم کلاه [را] که رعیت سالاراکرم می‌باشند تحت الحفظ به استرآباد آورده مجازات شود. تاچه اقتضا کند.

درباب عدلیه مصنوعی

سردار افخم برای خود دخل معتنابهی منظور کرده است. ساعدالسلطنه را رئیس قراردادده به اتفاق پنج نفر تجار جلسه منعقد [کرده] رسیدگی به امورات می‌نمایند. حقوق عارض و معروض را گرفته در صندوق عدالت تسلیم سردار افخم می‌نمایند. اهالی استرآباد رنجش [پیدا] کرده خصوصاً علمای شهر ابدأ رضایت به عدلیه ندارند. برضد احکامات علما رفتار می‌شود.

درباب قشون روس

یکصد و پنجاه نفر قزاق روس دیوانخانه با دو عراده شصت تیره توقف دارند. گاهی در بیرون شهر مشق [شصت] تیره می‌نمایند عده مزبوره ابدأ نظامی نبوده از خاک سیبری [آمده‌اند].

درباب نرخ

قند و نفت و شکر و آرد روس از طرف دولت قدغن است حمل به خارج بشود
مظنه ۲۵۹ استرآباد: پنبه لوکه هفت پوط سی تومان - قند پوطی چهار تومان - چای
گریوان ۲۶۰ هشت هزار - نفت چلیک پنج تومان - کنجد بیست من شاه پانزده تومان.

نمره ۸

۱۱ ماه مرچ رفت - ۱۹۱۵

درباب خرید شلتوک

پنجم ماه مرچ خبر رسید به ملاحظه کمی آذوقه در خاک روسیه تاجر پانیانس
به قرب چهار هزار خروار شلتوک از اتران و کردمحل و قرای مازندران خریداری کرده
در بندر جز انبار نموده است. خروار مزبور مطابق است با چهل و پنج من شاه.

درباب مالیات

سه ماه قبل سردار افخم فراشباشی خود را با چند نفر قزاق به فندرسک فرستاده مالیات
هنده السنه را دریافت بدارند. خوانین فندرسک جواب داده [اند] که آب خالصه متعلق
است به دولت. شیخ رضا سلطان العلماء به اسم قریه سنگ دویین می برد. ایالت قرارداد که
طرفین در شهر طی گفتگو نمایند. شیخ رضای سلطان العلماء چون سنگ دویین را به انضمام
آب سرخون محله با کمیسر روس بالمناصفه قرارداد به حکم ایالت اطاعت نکرده به سمت
گنبد قابوس می روند. مأمورین حکمران در این مدت سه ماهه در فندرسک توقف داشته،
مهدی خان میر پنجه اعتنائی نکرده دیناری مالیات ندادند. نا علاج روز ششم ماه مرچ
مأمور ایالت مراجعت کرده به عرض سردار افخم رسانیدند برای رسیدگی واخذ مالیات
فندرسک سالار اشرف به اتفاق عباسقلی خان سرتیپ ملقب به رئیس قشون هفتم ماه مذکور
به سمت فندرسک با بیست نفر قزاق حرکت کرده رفتند. تا چه شود.

درباب قشون روس

هفتم ماه مرچ یکصد و بیست نفر از قشون مزبور که در استرآباد جزئی مشق آموخته
بودند برای جنگ احضار شده به قرب هشتاد نفر دیگر با سه عراده توپ توقف دارند.

درباب مسلمان شدن

روز هشتم ماه مذکور يك نفر آلمانی که رعیت دولت روس بوده ده سال در باد کوبه

۳۵۹ - اصل: مظنه.

۳۶۰ - (= گریوانکه).

توقف داشته دو سال در طایفه ترکمان نوکری می کرد بایک نفر تبریزی در شهر آمده در منزل شیخ محمدباقر فاضل خواست به دین اسلام وارد شود. شیخ مذکور به ملاحظه دولت روس مشارالیه را نپذیرفته منزل آقایان دیگر فرستادند. تاچه اقتضا کند.

درباب ترقی برنج

این دو روزه از بندر جز به کسبه استرآباد اعلان شد برنج خریداری نموده بفرستند. دست فروشها برنج زیادی خریده حمل بندر جز نمودند. به فاصله سه روز برنج زیادی خریده حمل بندر جز نمودند. به فاصله سه روز برنج باری سه تومان اضافه شد. روز دهم ماه مرچ اهالی بازار به سبب ترقی برنج دکانها را بسته به خانه آقاسید جمال مجتهد، متشکی [شدند] و از طرف آقای مزبور به ایالت استرآباد حکمی صادر شد قدغن اکید نمایند برنج حمل به خارج نشود. تاچه اقتضا کند.

درباب اجاره ملك

شیخ محمدباقر فاضل که صاحب املاك متنازع فیه گردیده پسرى داشت ملامحمد علی مشهور به ملا آقا به سن بیست و دو ساله فوت شد. از قوه مشارالیه کاسته گردیده. وجوهاتی که برای اراضی خاک کتول و فخر عمادالدین و اراضی ترکمانها از تجار روس گرفته بود تماماً مخارج بیهوده شده لهذا املاك مزبور را بامیرزا جعفرخان منشی قونسول اجاره داده رسیدگی و تقویت در کار مشارالیه بشود.

درباب حکومت بندر جز

سردار افخم هزار ۱۳۶۱ السلطان را به حکومت بندر جز تصویب نموده با پنج نفر سوار روز دهم ماه مرچ حرکت کرده رفتند.

نمره ۹

۲۲ ماه مرچ رفت - ۱۹۱۵

درباب مهدی شاه میر پنجه

به عرض رفته بود سالار اشرف با عباسقلی خان پسر سردار افخم به فندرسک رفته مالیات رادریافت نمایند. به سبب شکایت کموسر از دست مهدی شاه میر پنجه به امپراطور روسیه و احکامات وزیر مختار با وزارت داخله در این باب، حسب الامر ایالت سالار اشرف مشارالیه را به شهر آورده چندی بماند تا رفع شکایت کموسر بشود. تاچه اقتضا کند.

درباب عارض و معروض

میرزا داودخان تاجر مسیحی برای وصول سه هزار تومان طلب از آقایان امیرامجد حاکم کتول به انجمن حقوق عارض شده امیرامجد را احضار به دیوانخانه [کردند]. طلب میرزا داودخان را اقرارداشت. لکن سی ماه مهلت خواست. انجمن حقوق عرایض او را پذیرفته دونفر قزاق به خانه مشارالیه فرستاده مجبوراً گاو [و] گوسفند خود را فروخته، به توسط پسر حاجی سیدظاهر مجتهد هزار تومان قرض نموده تسلیم میرزا داودخان نمود. سردار افخم سیصد و پنجاه تومان حقوق خود را از امیرامجد مطالبه نموده نا علاج قونسول را توسط گرفته مقدار یکصد و پنجاه تومان به حکمران استرآباد داده آسوده شدند.

درباب محبوسین عشوراده

به عرض رفته بود قونسول برای تیر خطا به سمت پست دولت دوازده نفر تراکمه جعفریائی را به عشوراده برده حبس نمودند. مقصود عمده برای امضای اسناد کوچلان رعیت روس است که اراضی سوچوال را به عنوان غصب تصرف نمایند. رحمت قاضی بایک نفر دیگر مجبوراً به شهر آمده، نوشته کوچلان را امضاء کرده پانزدهم ماه مرچ مرخص شدند. سایرین در عشوراده محبوسند. تاچه اقتضا کند.

درباب سرقت

شب هفدهم ماه مذکور دو رأس مال عرابه چی روس رادریک فرسخی شمالی به سرقت می برند. از طرف قونسولگری به حکمران اظهار شد دو روزه یا مال یا خسارت بدهید. سردار افخم چهارپنج نفر قزاق با فراش به قریه کریم آباد و محمدآباد فرستاده کدخدایان را چوب [زده] و زنهای قریه را فحاشی [کرده] ده نفر پیرمردان را به شهر آورده خسارت بگیرند. محمدباقرخان امیراکرم مالهای مسروقه را از کفشگیری به شهر فرستاده معلوم شد که سارق [از] رعایای گز دامغان متعلق به امیراعظم بوده است.

درباب شکارچی

نوزدهم ماه مرچ خبر رسید سه نفر از قریه والش آباد مشهور به طالیو برای شکار گاو به جنگل می روند. یک رأس شوکا ۲۶۲ شکار کرده مقارن غروب خواستند به محل عبور گاو توقف داشته تا صبح شکاری نمایند غفله پلنگی در جلو ایشان آمده تیری به گلوی پلنگ می زنند، کارگر نشده پلنگ از ترس خود را پشت درخت پنهان می کند. چون ظلمت شب را فرا گرفت و اجل رسیده، شکارچیان در تفحص پلنگ می روند حیوان تیرخورده پشت درخت پای قاسم نام میرشکار را چسبیده خوردش نمود. دونفر دیگر چند تیر پلنگ را زده بعد نعش میرشکار را گرفته به منزل مراجعت نمودند.

درباب تقاص

علی نامی که به سن بیست سالگی مدتها مشغول دزدی [بود] و کراراً او را دستگیر می کردند، حکومت ناعلاج شده امر نمود پنجه راست سارق را بریدند.

نمر ۱۵۵

۷ ماه اپریل رفت - ۱۹۱۵

درباب جشن قونسول

به سبب خبر تلگرافی که برای افتتاح ۲۶۲ خاک اطریش، هنگری و خلاصی یکصد و شصت هزار قشون روس از قلعه محکم مفتوحه اطریش روسها يك شب و يك روز جشن و بشاشی بوده قونسول خبر تلگرافی را به عموم صاحب منصبان و رؤسای استرآباد اظهار [داشته] و انتشار می دهند.

درباب تلفون

دو نفر از اداره تلفون خانه طهران به استرآباد آمده: يك نفر رضاخان، دیگری حاجی خان. در استرآباد مشغول دایر کردن تلفون می باشند. عده آبونه تلفون توی شهر به قرار ذیل است: منزل حکومت - امیر امجد دودستگاه - ساعد السلطنه - محمد باقر خان امیر اکرم - میرزادادودخان تاجر مسیحی - آقاشیخ محمد باقر فاضل مجتهد - سالار اشرف - آقارمضانعلی وکیل التجار - میرزا جعفرخان منشی باشی - میرزا علی اکبر خان معاون قونسولگری - میرزا علی اکبرخان ایروانی - وکیل الدوله - میرزاهادی پسر حاجی سیدطاهر.

دربا بقتل مکاری

بیست و نهم ماه مرچ يك نفر تودرداری ملازم محمد مهدی نام استرآبادی يك بار اجناس باروغن حمل به کرده محله چهار فرسخی مغربی می نماید، وارد به کاروانسرا گردیده دو ساعت از شب گذشته به منزل يك نفر دوست خود می رود. [در] مراجعت به منزل صاحب خانه سوءظن که نسبت به عیال خود داشت او را تفنگ زده مقتول و نعش او را به شهر آورده، ایالت تفحص کرده دو نفر از کسان قاتل را دستگیر نموده اظهار داشتند که مقتول بازن صاحب خانه رفیق بوده است.

درباب تراکمه

سلخ ماه مذکور چند نفر ترکمان جعفربائی که عشوراده حبس بودند ناعلاج

گردیده نوشته کوچلان روس را مهرنموده مرخص شدند. اراضی سوچوال در تصرف کوچلان است.

درباب حمل تفنگ

به عرض رفته بود که تفنگهای تصرفی و خریداری محمدعلی میرزا در قونسرخانه توقیف است. نصف تفنگهای مزبور سابقاً حمل به عثوراده شده بوده مابقی در قونسرخانه بوده، تماماً را با عرابه از راه قراسو به روسیه فرستادند.

درباب لیانازوف و صیدماهی

امسال نسبت به سالهای قبل اجزاء مشارالیه به قراسو دیر آمدند. لکن به سبب کثرت کولاک دریا و زیادتی ماهی احتمال کلی دارد دو مقابل از سال قبل ماهی صید کرده باشند. سال گذشته عده عملجات زنانه هفتصد نفر بودند امسال عده آنها هزار و دویست نفر می شدند.

درباب عید عظمای مسیحی

روز یکشنبه چهارم ماه اپریل جمعی از صاحب منصبان و غیره برای تبریک عید به قونسرخانه رفته بودند، ایوانف قونسول روس یک نوع بشاشت و سروری برای پیشرفت قشون دولت روس داشتند، به قرب یک ساعت از شجاعت و دلیری سربازهای روسی اظهار می کردند. در ضمن عنوان معزولی خود را که باغ گلبن خریداری من است واگذار کرده به میرزا علی اکبرخان معاون قونسولگری. مدیر قونسولخانه تایک هفته دیگر وارد خواهد شد. تاجه اقتضا کند.

درباب خرابی باران

الیوم که ششم ماه مذکور است سی و پنج روز می شود هوای استرآباد انقلاب [است] و باران اتصالاً می بارد. سه شب و سه روز شدت باران به اندازه ای بود که رفت و آمد توی شهر مسدود [شده] به قرب پنج هزار تومان در شهر خرابی نموده ده هزار تومان دردهات خسارت به قنوات وارد کرده، باز هم مشغول باریدن است.

نمره ۱۱۵

۲۲ اپریل رفت - ۱۹۱۵

درباب خیالات روسها

از زمانی که دولت انگلیس پراخوتهای جنگی خود را برای مفتاح داردانل گسیل داشته اند قونسول با سایر روسها که در استرآباد اقامت دارند هر موقعی که به هم می رسند

اول مذاکره و عنوانات آنها این است: هرآینه دولت انگلیس داردانل را تصرف نماید برای دولت روس بسیار بدخواهد شد و شکست بزرگی به روس به طور حتم واقع می شود که از خجالت نمی توانیم چشم باز کرده، پولتیک دولت روس برای عقاید شخصی صد سال عقب افتاده است. این مطلب را یکی از دوستان و کالت که زبان روسی می دانست کشف نموده و محرمانه اظهار داشت که روسها خیلی مترزل می باشند.

درباب اعانه از ترکها

به عرض رسانیده بود دومرتبه از ترکمانهای جعفربائی و اتابائی و ایلغی و داز اعانه برای قشون روس گرفته اند. در این چندروزه مجدداً از طرف قونسول امر شد دولت وردی خان اگنط وجه اعانه از ترکمانهایی که با ثروت هستند نفری پنج تومان الی بیست تومان جمع آوری نمودند. لکن این مطالب برای ترکمانهایی که تاکنون از خوانین استرآباد دستی می گرفتند و حالیه آن دخل سابقه را ندارند در مدت شش ماه سه مرتبه اعانه بدهند بسیار ناگوار و صعب است.

درباب اجاره املاک

به عرض رفته بود شیخ محمدباقر املاک تزاغی خود را به میرزا جعفر خان اجاره داده است. امیرامجد حاکم کتول پنجاه تومان به مشارالیه داده فسخ معامله می نماید. ایوانف قونسول روس یک نفر از روسها [را] که در شیرنگ اراضی خریداری کرده اند احضار نموده املاک شیخ محمدباقر را سی ساله اجاره می دهند.

درباب اختلاف

چندی است اهالی استرآباد از تجار و علما دو فرقه شده اند: یک دسته به حمایت سردارافخم دسته بندی دارند که شب و روز با خود دوره قرار داده اند. اعضای انجمن مصنوعی به دستورالعمل ایالت می باشند. یوم چهارم ماه اپریل اقدامات تلگرافی به وزارت داخله و انجمن طهران برای استحکام حکومت سردارافخم نموده اند: ساعدلشکر رئیس محکمه حقوق — آقامحمدقاسم مدیر محکمه — نواب منصورالسلطان رئیس توپخانه — حاجی محمدرحیم تاجر — حاجی احمدآقا تاجر — حاجی سیدمهدی — آقا علی خان — حبیب الله خان — حاجی محمدزمان — حاجی محمداسمعیل — حاجی شیخ غلامحسین — آقاشیخ طاهر دورو.

فرقه دیگر که برضد ایالت و انجمن حقوق کار می کنند: آقا میرزا مهدی — شیخ محمدباقر فاضل — شیخ حسن جزئی — آقا بوتراب — امام جمعه — شیخ باقر شاهکوهی — شیخ طاهر دورو.

درباب امیر اعظم

چندی قبل بین اگنط روس بانواب والا امیر اعظم مشاجره گردیده اگنط به قونسول شاکمی می‌شود. قونسول چون موقع معزولی بوده و مقروض است هفدهم ماه اپریل میرزا علی اکبر خان معاون را به شاهرود فرستاده بین اگنط با امیر اعظم را التیام داده، در ضمن قریه باغ گلبن را قونسول پنجاه هزار منات قیمت می‌کند. شاید به امیر اعظم بفروشد.

درباب ورود مدیر قونسولخانه

روز بیست و یکم ماه اپریل عباسقلی خان سرتیپ پسر سردار افخم برای استقبال مدیر قونسولگری بایک رأس اسب یدک و هفت نفر قزاق به قراسورفته روز بیست و دویم ماه مذکور بعد از ظهر وارد به قونسولخانه شد. برای ترتیب و انجام کارهای شخصی و غیره سه دو ماهه اجاره گرفته توقف نمایند.

نمره ۱۲۹

۲۹ اپریل رفت - ۱۹۱۵

درباب مدیر روس

به عرض رفته بود روز بیست اپریل مشارالیه وارد می‌شود. [بسبب] کثرت باران و آب در راه قراسو نتوانسته بیایند. یوم بیست و سیم از طرف ایالت خوانین یک فرسخ استقبال کرده دو ساعت به غروب وارد شد. اسم مدیر گریگرایف [است] که هیجده ماه قبل در سفارت طهران [بوده] و خیلی آدم تنومند و ضخیم^{۳۶۵} است. ظاهراً خوش اخلاق و مهربان و به انظار ایالت و سرکرده‌های استرآباد خوب آمده است. معزز السلطان کارگذار از مشارالیه وقت خواست رسماً دیدن نماید. ایوانف قونسول معزول جواب داده شما تصور نکنید زمان تغییر مأمورین خارجه مثل حکام ایران مأمور جدید ماناسخ حکم سابق را بدهد. چون من او را رسماً به کارگذاری استرآباد نپذیرفتم مدیر هم نخواهد پذیرفت^{۳۶۶}. تاچه اقتضا کند.

درباب اعتصام الممالک

کارگذار سابق استرآباد به توسط امیراکرم و سالار اشرف و چند نفر از علمایان نوشته رضایت نامه صادر کرده، روز مذکور بایک نفر نوکر عزیمت به طهران نموده

۳۶۹- در کنار آن نوشته است: «یک نمره اختلاف شده بود.»

۳۶۵- اصل: ضخیم.

۳۶۶- اصل: پذیرفت.

اهل و عیال خود را در استرآباد گذارده است.

درباب املاك سپهدار

میرزا علی اکبرخان ایروانی مترجم باتایف که مستأجر املاك سپهدار است قراء لیوان هشتیکه را به امیر کرم و مسعود لسلطان اجاره می دهد. اهالی لیوان ازدحام کرده مشارالیه را به خود راه ندادند. می گویند که ماها خوانین انزان را به کلاتری می خواهیم. تاجه اقتضا کند.

درباب اظهار مدیر

بیست و ششم ماه مذکور مدیر روس پیغامی برای تجار استرآبادی داده چون اسکناس روس در استرآباد تنزل کرده صدی چهل و پنج تومان است و هزار تومان به عنوان قرض يك ماهه بدهید. تجار عموماً از دادن وجه امتناع ورزیده [اند] که نداریم. بسیار در این باب به مدیر برخورد کرده گفته بود که می خواستم استرآبادی را امتحان ۲۶۷ نمایم.

درباب شکایت

میرزا ابوالقاسم [از] تجار طهرانی مقیم استرآباد با حاجی علی اکبر استرآبادی دوهزار تومان معامله چای نموده اختلاف حساب داشتند. انجمن حقوق به خصومت سابقه با حاج علی اکبر، میرزا ابوالقاسم را محرك شده عارض می شود. حاج مذکور را احضار [کرده] مدتی حبس نمودند. پانصد تومان وجه نقد از او گرفته به قرب نهصد تومان هم از مشارالیه ضامن گرفته يك ماهه بدهد. چون گرفتن وجه عمدی و اجحاف بود رأس مدت حاج علی اکبر به منزل شیخ محمدباقر فاضل متحصن می شود، يك عده از علمایان حمایت از مشارالیه دارند. روز بیست و هفتم ماه اپریل تلگرافاً شکایت از سردار افخم و اعضای انجمن حقوق به مجلس طهران نموده اند. تاجه شود.

درباب قونسول سابق

روز مذکور ایوانف هفت نفر رعایای باغ گلبن را مغلولا به دارالحکومه فرستاده يك شب حبس نمودند [که] چرا بدون اجازه چوب و اصله از جنگل به شهر آورده فروخته اند. نفری صد تومان ملتم شده بی اجازه چوب فروشد.

درباب تلگراف

بیست و هفتم ماه اپریل تلگرافاً به سردار افخم امر شد برای تجدید سال افتتاح مجلس در استرآباد جشن و چراغانی ۲۶۸ نمایند. ایالت فوراً داروغه و کدخدایان را

۳۶۷- صل: امتهان.

۳۶۸- بجای «چراغانی».

احضار [و] امر نموده جارکشیدند. شب پنجشنبه چهاردهم جمادی‌الثانی در بازار چراغبانی نمودند.

نمره ۱۳

دهم ماه می رفت - ۱۹۱۵

درباب شورش ترکمان

سلخ ماه اپریل يك نفر ترکمان ساکن تکه به استرآباد آمده اظهار داشت که دولت عثمانی برای قضات بخارا نوشته است در این جنگ عصبیت برای نوع انسان لازم، شماها که اهل شافعی ۲۷۰ و حنفی مذهب می‌باشید باید تعصب ورزیده شورش نمائید. دولت روس امر نموده که از طایفه خیوق و تکه‌سوار گرفته شود که برای جنگ بروند. تراکه مزبور تماماً هم قسم شده شورش و ازدحام نموده جواب دادند که ما نمی‌توانیم باهم مذهب خود نزاع نمائیم. تاچه اقتضا کند.

درباب نزاع

دویم ماه می خبر رسید بین گماشتگان امیرامجد و کمیسر روس در سنگ‌دوین که خاک‌کتول است نزاعی اتفاق افتاده و به سبب تعدیات کمیسر نسبت به اهالی کتول به قرب دو ساعت طرفین شلیک تفنگ نموده آسیبی نرسید. محرک محمودآقا سرهنگ قزاق است که هزاران ناله از اهالی کتول و فندرسک به طهران عرض شد. مشارالیه را به طهران بردند. لکن پیشکاران دولت برای گرفتن وجه رشوه مجدداً او را به مأموریت گنبد قابوس فرستاده [اند] که آب و خاک‌کتول، فندرسک را عمداً به تصرفات کمیسر بدهد. در صورتی که سردار فخم پارتی روسها می‌باشد. محمودآقا سرهنگ همشیره‌زاده و داماد او است و اعتنائی به اوامر و احکام ایالت ندارد. تاچه اقتضا کند.

درباب بندر جز

سابقاً به عرض رفته بود فیلیپویچ تلگرافچی اگنط روس مقیم بندر جز قطعاً زمینی در مزنگ که نیم فرسخی بندر جز است خریداری نموده در ضمن ۲۷۱ اراضی نوکنده که جزو خالصه و متعلق به سپهدار است ماشین از روسیه آورده در جنگل تخته می‌برد. حاجی‌رضا ساکن نوکنده که یکی از رؤسای انزان است قدغن نمود از گماشتگان اگنط جلوگیری می‌نمایند. جمعیت زیادی دربندر همراه برده به سپهدار تلگرافاً شکایت نماید. اگنط روس دربندر می‌گذشت حضرات را ملاقات کرده، تغیر [کرد]. و يك نفر را توسری می‌زند.

رعیت نوکنده هم اگنط را توسری می‌زند ۲۷۲. اگنط خبر به‌عشوراده داده دو پراخوت جنگی دربندر حاضر [کرده] ده نفر از اشخاص محترم اتران را مغلولاً قزاقهای روس گرفته به‌عشوراده می‌برند. هژبرالسلطان ۲۷۳ نایب‌الحکومه به‌سردار افخم راپرت می‌دهد، در صورتیکه باطناً به‌روسها میل دارد مدیر قونسول برای رسیدگی بندر جزر رفته محبوسین را از عشوراده آورده استنطاق نمودند. قصور به‌عهده رؤسای نوکنده مجبوراً گذاشته دوسه نفر را مجازات کرده مرخص نمودند ۲۷۴.

درباب داردانل

پنجم ماه مذکور قونسول سابق به‌موجب خبر تلگرافی انتشار داده، از یک طرف قشون بریطانیا یک طرف ماداردانل را محاصره نموده عنقریب اسلامبول را فتح می‌نمائیم.

درباب بارندگی

استراباد زمستان حقیقی در فصل بهار شده، شب و روز بارندگی [و] آب سیل از کوهستان جاری [است]. دشت ترکمان تماماً پر آب، به‌سبب طغیان آب رود گرگان یک‌زن با دویچه از محالات گنبد قابوس آب آورده. کرمی‌های جعفربائی را خراب کرده، چندسال است که این طور بارندگی نشده بود.

نمره ۱۴۵

۲۵ ماه می رفت - ۱۹۱۵

درباب هژبرخاقان ۲۷۵ عبدالملکی

قاسم‌خان مذکور که در سال قبل باعث قتل عموی خود عسکرخان عظام‌الملک گردیده از ترس قونسول روس فراراً به‌طهران رفته بود بعداز معزولی قونسول به‌حمایت سپهدار وارد به‌مازندران شد. عیال عظام‌الملک از ترس مشارالیه به‌استراباد آمده، هژبرخاقان ارازوردی آخوند خوجه‌نفسی را فرستاده که عیال عظام‌الملک را اطمینان ۲۷۶ داده به‌مازندران بفرستند.

درباب کمیسر روس

نزاع بین رامیانی و کمیسر روس را کراراً به‌عرض رسانده، روسها به‌قوه جبریه

۳۷۲- اصل: می‌نماید (؟)

۳۷۳- صل: هژبرالسلطان.

۳۷۴- در دنبال آن نوشته است «بقیه دارد».

۳۷۵- اصل: هژبرخاقان.

۳۷۶- اصل: مطمئن.